

۶۰۳۶

۱۹۱

اسلام

دانش

تکنولوژی

حضرت مولانا محمد طیب رحمۃ اللہ علیہ

مترجم :

عبدالغنی شیخ جامی

مدرس حوزہ علمیہ انوارالعلوم خیر آباد - تائباد

شیخ جامی عبدالغنی
اسلام، دانش و تکنولوژی / تألیف محمد طیب / ترجمه عبدالغنی شیخ
جامی / معلا مشهد / ۱۳۸۳
۱۳۸ ص

ISBN: 964-7626-08-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا
کتابنامه بصورت زیر نویس
۱. علم و دین ۲. اسلام و علوم الف) شیخ جامی عبدالغنی ۱۳۴۵
ب) عنوان
۲۱۵ BL ۲۴ ق ۴۰۳/۱
کتابخانه ملی
۱۲۶۹۰ - ۷۸ م



اسلام، دانش و تکنولوژی

تصنیف مولانا محمد طیب
ترجمه فارسی عبدالغنی شیخ جامی
ناشر معلا
نوبت چاپ اول ۱۳۸۴
تیراژ ۳۰۰۰ جلد
قطع رقعی
چاپ دقت ۳۴۱۹۵۶۰
قیمت ۸۰۰ تومان

شابک: ۸-۰۸-۷۶۲۶-۹۶۴

مرکز پخش: کتابفروشی های معتبر

فهرست

صفحه	عنوان
۶	بجای مقدمه
۲۲	موضوع تکنولوژی
۲۴	تفاوت قوای عناصر و ملاک آنها
۲۷	عنصر خاک
۳۳	عنصر آتش
۳۵	عنصر آب
۳۸	عنصر هوا
۴۰	انسان جامع عناصر
۴۰	۱- قدرت نسبی انسان در عناصر
۴۱	۲- تصرفات انسان در عناصر
۴۴	۳- ابداعات انسان در عناصر
۵۳	لطافت و نورانیت حسی روح انسان
۵۶	قدرت و لطافت معنوی روح انسان
۶۰	استدلال و صفات روح بر الهیات
۶۶	توانایی های روح و بهره برداری اشتباه
۷۲	نتیجه استعمال غلط قوای روح
۷۵	رویدادهای شگفت انگیز قوای روحانی
۷۹	اصل نیازمندی انسان ماده امت
۸۲	اخلاق عناصر اربعه و خواص نیازمندی آنها

۸۳	خاک و اخلاق فطری آن
۸۶	آتش و اخلاق فطری آن
۸۹	باد و اخلاق فطری آن
۹۰	آب و اخلاق فطری آن
۹۱	چهار اصل از ذایل نفس
۹۱	چهار اصل فضائل انسان
۹۴	انفاق مظهر خلق روحانی است
۹۷	چگونه از صدقه غنا حاصل می گردد
۹۹	بنیاد رابطه با خدا قطع رابطه با مادیات است
۱۰۱	از نیروی تعلق با خدا شگفتی های روحانی
۱۰۳	علم محض بی نیاز کننده نیست
۱۰۴	بین تکنولوژی و اسلام نسبت وسیله و مقصود برقرار است
۱۰۸	خواسته اسلام و تکنولوژی از ما چیست ؟
۱۱۰	زیانهای ماده
۱۱۱	سخن با دانشجویان
۱۱۲	روش ازاله زیان های ماده
۱۱۳	استحکام توحید
۱۱۴	ذکر خدا و روش آسان آغازین آن
۱۱۷	همنشینی با صلحاء و رابطه با اهل الله
۱۱۹	خلاصه بحث
۱۲۰	ارتباط مباحث سخترانی با حدیث ذکر شده

- نتایج لطیف مباحث حدیث ۱۲۴
- لطف روح در مذهبی بودن آن مضمحل است ۱۲۵
- حقیقت بنیادی اسلام ۱۲۶
- اصل تکنولوژی ۱۲۸
- ارشاد خداوندی ۱۳۰
- رفع اشکال ۱۳۳
- پندی خطاب به دانشجویان ۱۳۵
- خاتمه کلام و خلاصه بحث ۱۳۷

بسم الله الرحمن الرحيم

بجای مقدمه :

بحث تکنولوژی مسئله ای است که از دیر باز بر سر زبانهای خاص و عام سایه افکنده و مورد جلب توجه همگان قرار گرفته است. اسلام همچنانکه در رابطه با مسئله سیاست، اقتصاد و... حرفهایی برای گفتن دارد و آنها را هدایت و رهبری می کند، در رابطه با تکنولوژی و دیگر مسائل جدید روز نیز دستوراتی دارد. همچنانکه لازم است تا در دانشگاهها در مورد اشیاء و اسرار جهان آفرینش موشکافی دقیقی انجام گیرد، لازم است تا درباره آخرین نقطه جهان و موجد آن یعنی خداوند، نیز معرفت و شناختی حاصل گردد. اسلام نظر انسان را بسوی بهره برداری و برخورداری از آن اسباب و آلات را معطوف نمی سازد. چون همه اینها فانی اند و انسان در این دنیا همانند مسافری است، که او از این دنیا بعنوان قرنطینه، برای ورود به جهان بزرگتری استفاده می کند و اگر همین دنیا را سرای اصلی خود بداند حقیقت کائنات را ندانسته است.

این دنیا راهی بیش نیست ولی چون هر راهی از پیچ و خم و فراز و نشیب خالی نیست، لازم است تا در مورد آن مقداری آگاهی پیدا نماید. لذا دیدن و دانستن از اشیاء و عجائب دنیا نیز ضروری است و ناگفته نماند که تمام اینها از فنون دنیا بوده و چه بسا ذریعه کسب معاش نیز می توانند باشند و در حقیقت فن (همچنانکه از نامش ظاهر و هویدا

است) فنا شدنی است و انسان را در همین دنیا رها می کند و از راهنمایی به سرای آخرت عاجز و قاصر است.

علم واقعی آن است که انسان را در دنیا راهنمایی و در آخرت همراهی نماید و اگر انسان به آن عمل نکند در قیامت خداوند او را مورد بازپرسی قرار خواهد داد. و در رابطه با علوم و فنون دنیوی نه هیچ پیامبری مستقیماً بخاطر این هدف مبعوث گردیده و نه ملائک و نظر انبیاء بوده است.

به قول حضرت مولانا سعد، علمی که مخلوق را به مخلوق (انسان) شناسایی نماید فن، و علمی که خدا و راه او را به مردم بشناساند علم است چنانچه در اولین منزل آخرت (قبر) با مسائلی مربوط به آن علم از انسان سؤال می شود که من ربك و مادینك و من نبيك ولی برای علوم و فنون امروزی از منزل اول آخرت گرفته تا پایان، هیچ حسابی برایش در نظر گرفته نمی شود.

بی تردید وقتی که انسان بطور کامل از قوه عقلانی خویش استفاده می کند به این نتیجه می رسد که در این چند روزه زندگی فقط به فکر تعمیر آخرت خویش باشد و این دنیا هر چه قدر که از لحاظ ابزار آلات و وسائل نقلیه و تکنولوژی و...، پیشرفت نماید ولی باز هم بسیاری از مشکلات این انسان لاینحل و بدون پاسخ می ماند. پس چه بهتر از قناعت کار گرفته و با اندك راه افتادن مشکلات به عبادت خالق حقیقی خویش پردازیم.

چنانچه حضرت مولانا قاری محمد طیب رحمه الله علیه در رابطه با «روح زندگانی دنیا» می فرماید:

اگر چیزی لایق مقصد زندگی است، عبادت خداست و این همان چیزی است که انسان را انسان می سازد.

شاعر مشهور هندوستان اکبر اله آبادی می گوید:

ایک ہی کام سب کو پرناہی یعنی جیناھی اور مرناہی
یک کار ہر ہنگام لازم و ضروری است و آن اینکه ہمہ ما باید در
این دنیا زندگی کردہ و سپس بمیریم، و سپس می فرماید:

اب رہی بحث رنج و راحت کی وہ فقط وقت کا گزرناہی
اکنون تنها چیزی که به عنوان رنج و راحتی بر انسان رخ می نماید
این است که برای سپری کردن اوقات انسان است. نه این ابدی و نه
آن ابدی است. یعنی به اینها توجهی نکنید.

رہ گیا عز و جاہ کا جھگرا یہ تخیل کا پیت بھرناہی
اکنون باقی می ماند مسئله عز و جاہ، اینها مسائلی است که فقط و
فقط قوه تخیلی ما را سیر می گرداند. اینها چیزهایی خیالی هستند و
لایق توجه نیستند، سپس می فرماید:

قابل ذکر ہی نہیں خورد و نوش یہ بھیمی کی خوسی لڑناہی
و این مسئله خورد و نوش در خور توجه نیست که گویا بر سر قوه
بہمیت بر سر پیکار هستیم و بعد ادامه می دهد کہ:

مقصد زندگی ہی اطاعت حق نہ کہ فکر جہان مین پرناہی

نتیجه اینکه هدف زندگی، اطاعت ذات باری تعالی است نه اینکه به فکر تعمیر دنیای خود باشیم و بس.

امام غزالی، فیلسوف بزرگ جهان اسلام در همین راستا می فرماید:
اگر مقصود آنست که طعام خوش خورد باید بداند که او بهیمة بود در صورت آدمی. که شره ی خوردن کار ستوران است.

و اگر برای آن کند تا چامه دیبا پوشد زنی بود در صورت مردی که رعنائی کار زنان است.

و اگر برای آن کار کند تا خشم خود بر دشمنان خود براند سبعی بود در صورت آدمی که خشم کردن و در مردم افتادن کار سیاع است.

و اگر برای آن کند تا مردم او را خدمت کنند جاهلی بود در صورت عاقلی، چه اگر عقل دارد. (کیمیای سعادت - رکن دوم - صفحه ۲۲۵)

علامه سید ابوالحسن علی ندوی در کتاب تعمیر انسانیت می نویسد:
(صفحه ۸۲-۸۱)

دوستان! در کودکی قصه ای را شنیدم که شخصی به دنبال چیزی جستجو می کرد. مردم پرسیدند به دنبال چه می گردی؟ او گفت از جیم اشرفی افتاده است بدنبال آن می گردم. آنها نیز همراه او به جستجو پرداختند بعد از مدتی که خسته شدند کسی سؤال کرد که آن اشرفی کجا افتاده است. او گفت به خانه افتاده است ولی مشکل اینجاست که خانه تاریک است و کوچه روشن، لذا در اینجا تلاش می کنم.....

سپس نتیجه گیری می فرماید که :

انسانیت از داخل خراب است اما کوشش می کند که او را در بیرون درست کند آن امن و سکون و اطمینان قلبی که ما نیاز داریم و در پی آنیم آن فضای محبت، فضای همدردی و اخلاق که برای همه من و شما لازم است تمام اینها در دنیا دل مفقود است ولی آنجا تاریک است بنابراین آن را در بیرون جستجو می کنیم ما بسیار ظلم کردیم که راه دل را گم کردیم.... امروز همه ما شریک همین قافله هستیم لذا چیزی که امروز لازم است آنست که مقصد اصلی زندگی انسانها بیان شود تا تعلقات درست و از سطح حیوانی بالاتر گردند.

بنابراین تمام این پیشرفتهای تکنولوژی و غیره برای استراحت جسم انسان است ولی انسانیت روح آن تشنه است اما متأسفانه آنقدر که بدنبال پیشرفتهای دنیوی هستیم و برای پیشرفت معنویت که غذای روحانی انسان است هیچ فکری نشده است و اگر شده بسیار اندک. چنانچه یکی از بزرگان دین می فرماید که دنیا همانند دم سگ کج است و برای راست کردن آن کوششها و تدابیر زیادی انجام شده ولی همه بی فایده بوده است چنانچه جناب انسان برای ساختار دنیا تدابیر زیادی از قبیل دبستان و دبیرستان، حوزه های علمیه جهت اصلاح اخلاق انسانیت ساخته است و برای جلوگیری از خلافاکاریها، دادگاهها و پاسگاهها و غیره دایر نمود ولی جرائم، ظلم، قتل و غارت و ستم همچنان باقی است و جهت معالجه بیماران و زخمی ها و غیره بیمارستانها ساخته ولی انسان

همچنان بر وقت مقرر فوت می کند. در این دنیا گروهی بر سر اقتدار و پست و مقام می رسند و گروهی آن را از دست می دهند بعضی ممالک آباد و بعضی ویران می شوند.

هدف اینکه ما بدنیاال این باشیم که بتوانیم دنیا را بسازیم و آباد کنیم و تمام کم و کاستهای آن را از بین ببریم این خیال است و محال است و جنون. البته از این حیالات بوقلمونی دنیا جهت ساختار زندگی شخصی خود می توان درس عبرت گرفت. حقیقت این است که:

اسباب بدون احکام، نفسانیت است.

احکام بدون اسباب، رهبانیت است.

دربین اسباب بودن و پای بند به احکام بودن، اسلام است.

چون اسلام هرگز خواهان آن نیست که انسان از کارهای دنیوی دست بکشد و در انزوا قرار گرفته و حتی کارهای روزمره خود را انجام ندهد.

ولی برخی از روشنفکران چنین عقیده دارند که انسان به هر نحوی که شده است باید ترقی و پیشرفت (ظاهری) نماید، اگر چه این پیشرفت در زمینه صنعت و تکنولوژی، کشف و دستیابی به سیارات و کرات و ساختن اشیاء مدرن یا ارضای خواهشات نفسانی و آزادی مطلق همانند حیوانات و حتی برای از بین بردن هم نوع خود ساختن اسلحه های مدرن و کشتار جمعی و... آنان همین را ملاک ترقی و

کامیابی قرار داده و احکام اسلام را فرسوده و عقب افتاده و غیر عملی می دانند. اما در دستورات روح بخش اسلام و قرآن کریم، به علت اینکه اسلام معتقد به زندگی پس از مرگ (معاد) است شروع زندگی جاوید و اصلی را از آنجا می داند و آمادگی برای آن که (همانا عمل به دستورات اسلام است) ملاک ترقی و پیشرفت قرار داده است لذا اسلام انسان را بیشتر به سوی جهان آخرت متوجه می سازد.

و ناگفته نماند که اسلام هرگز با ارتقا و پیشرفت مخالف نیست انسان اگر ضمن رعایت احکام و دستورات اسلامی خویش در جهت پیشرفت مادی، اقتصادی، تکنولوژی و صنعت و غیره تلاش نماید (بشرط اینکه مزاحم اعمال و احکام اسلامی او نشود) آن را پسندیده و نیکومی داند. زیرا این پیشرفت‌ها، انسان را بیشتر وادار به تفکر و تدبیر درباره قدرتهای کامل خداوند می نماید. البته اگر انسان دقیقاً احکام و اوامر خداوند را طبق سنت نبوی صلی الله علیه وسلم انجام دهد همانند اصحاب و پیامبران، تمام اشیاء کائنات تابع او قرار می گیرند، حتی عناصر اربعه که بنیاد و سرچشمه و مخزن تمام اشیاء مدرن و پیشرفته دنیا است تابع انسان قرار می گیرند.

چنانچه اهل مصر جهت جاری شدن رود نیل در سال یکبار برنامه داشتند که یک دختر زیبا را بالباسهای گرانبه و فاخر پوشانده و او را به نیل می انداختند، حضرت عمر رضی الله عنه نامه ای خطاب به رود نیل نوشت، همینکه نامه را به نیل انداختند، آب از سالهای قبل بالاتر آمده و برای

همیشه جاری گردید و این روش جاهلانه از بین اهل مصر برداشته شد
(حیاه الصحابه ص ۳۸۸، ج ۴)

همچنین زمانی که حضرت علاء الحضرمی رضی الله عنه باجمعی از اصحاب،
به طرف بحرین فرستاده شدند وقتی که به کنار دریا رسیدند فرمود:
(سمو الله واقتموا) نام خدا را یاد کنید و به دریا داخل شوید. چنانچه با
نام الله از روی دریا عبور کردند به طوری که حتی پاهایشان خیس
نگردید. (حیاه الصحابه ص ۳۸۸، جلد ۴) همچنین در زمان خلافت
حضرت عمر رضی الله عنه آتشی از طرف حره (نام جایی است) به مدینه نزدیک
می شد حضرت عمر رضی الله عنه به نزد حضرت تمیم داری رضی الله عنه آمده و فرمودند:
که بلند شو و این آتش را به جایش برگردان، او بلند شده و با اشاره
دستهایش آن را به عقب راند، (حیاه الصحابه ص ۳۹۵ - جلد ۴)

همچنین حضرت عمر رضی الله عنه در زمان خلافت خود لشکری را به عراق
فرستاده بودند. قبل از اینکه جنگ شروع شود، دشمن از پشت کوه
قصد حمله داشت، که در همان اثنا حضرت عمر رضی الله عنه در حین خطبه از
روی منبر نبوی در مدینه منوره اعلام نمود یا ساریه الجبل - ای ساریه
کوه را بگیر. در اینجا صدای حضرت عمر رضی الله عنه را بباد از مدینه در ظرف
چند ثانیه به عراق رساند. با شنیدن این صدا متوجه کوه گردیده
و بردشمن پیروز شدند.

همچنین روزی حضرت عمر رضی الله عنه در بازار مدینه راه می رفتند که
ناگهان زلزله ای صورت گرفت، حضرت عمر با عصایی که در دست

داشتند، ضربه محکمی به زمین کوبیدند و فرمودند آیا بر روی تو ظلمی صورت گرفته است؟ مشهور است که از آن زمان تا کنون در مدینه زلزله ای صورت نگرفته است.

از این وقایع واضح می گردد، وقتی که انسان همه تن خود را در اختیار خالق خویش قرار دهد خداوند همه چیز (از جمله آب، خاک، آتش و باد) را تابع او قرار می دهد.

نظریات برخی از علما راجع به کتاب حاضر:

دکتر زکی الدین استاد دانشگاه علی گره می گوید:

لغزش بسیار واضحی که از علما سابق سرزده شد این بود که آنها اصول و برنامه های تکنولوژی را ابدی و دائمی دانستند و از این فراموش کرده بودند که زمانه هر چقدر ترقی و پیشرفت نماید، کاستیها و کوتاهیهای تکنولوژی بیشتر ظاهر می گردد و نیاز به این داشت که همزمان با گذشت زمان پیشرفت هایی در تکنولوژی بوجود آید. اما همراه با این با صدای رسا اعلام می کنیم که قرآن شریف پیغام خدا است و برای همیشه خواهد بود و هیچ مخالفتی با تکنولوژی و صنعت ندارد بشرطی که پیشرفت در این زمینه او را مغرور نسازد و مانع از بجا آوری احکام شریعت مطهر نگردد.^۱

حضرت مولانا اعزاز علی، استاد مشهور ادبیات عرب می نویسد:

یقیناً اگر این سخنرانی از یک طرف آینه ای از حقایق اسلامی است ، از طرف دیگر ذخیره گرانمایی از ادب و عرفان نیز است .
در کفی جام شریعت در کفی سندان عشق

هر هوسناکی نداند جام و سندان باختن
سپس می فرماید ، اگر آب سرد و شیرین و گوارا می تواند تشنه ای
را از تشنگی طاقت فرسای نجات دهد سخنرانی مذکور نیز می تواند
تشنگان کمال معرفت را به نحو احسن سیراب نماید .
در پایان با بیان حضرت علامه شبیر احمد عثمانی در رابطه با رساله
مذکور گفتارم را به پایان می رسانم :

گرچه افراد زیادی با سلیقه های مختلف در رابطه با این موضوع قلم
فرسایی نمودند اما این مضمون نسبت به نوع خود بسیار عمده و علمی
است و انسان را متوجه می سازد که صاحب مضمون نه تنها اولاد نسبی
حضرت مولانا محمد قاسم نانوتوی رحمه الله علیه است ، بلکه وارث
علمی او نیز می باشد .

نقش بسیار موثری که این سخنرانی در مرکز بزرگ علمی
تکنولوژی دانشگاه اسلامی علیگره به جای گذاشته است یک علامت
بسیار درخشان در اصلاح مسلمانان می باشد . خداوند توفیق دهد که
برادران مسلمان و دانشجویان محترم از این چنین بیاناتی استفاده کافی
برده باشند .

نا گفته نماند که کتاب حاضر، سخنرانی مفصلی از حضرت مولانا محمد طیب رحمه الله علیه است که در دانشگاه مشهور علیگره هندوستان صورت گرفته است.

بنده در سال ۱۳۸۱ که با جمعی از دوستان سفری به هندوستان داشتم موفق شدم تا از آن دانشگاه نیز بازدید نمایم. در آن زمان این دانشگاه با مساحت ۱۶۰۰۰ متر مربع، ۲۸۰۰۰ دانشجو و ۵۰۰۰ استاد را در خود جای داده بود.

در پایان لازم می دانم از زحمات دوستان محترم آقایان جناب مولانا محمود سروری، شمس الله عرب و احمد مسعودی فر که همکاری صمیمانه ای در رابطه با تصحیح و ویرایش این مجموعه نموده اند کمال تشکر و سپاسگذاری را داشته باشم.

ومن الله التوفیق

امقر عبدالغنی شیخ جامی ۸۲/۱/۱۵